

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

\* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \*

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی درست و استوار بگویید .

|   |   |
|---|---|
| كَلَّمَ (مضارع: يُكَلِّمُ) : سخن گفت = حَدَّثَ ، تَكَلَّمَ<br>لا تُحَدِّثُ : سخن نگو ( حَدَّثَ ، يُحَدِّثُ )<br>لا تَقْفُ : پیروی نکن ( قَفَا ، يَقْفُو )<br>لِكَيْ يُقْنِعَ : تا قانع کند ( أَقْنَعَ ، يُقْنِعُ )<br>لَيِّنُ : نرم ≠ خَشِنُ<br>لَيْنٌ : نرمی ≠ خُشُونَةٌ<br>مَخْبُوءٌ : پنهان = خَفِيَ<br>يُعْرَضُ : در معرض می‌گذارد ( ماضی: عَرَضَ ) | أَدْعُ : فرا بخوان ( دَعَا ، يَدْعُو )<br>أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ : که دخالت نکند ( تَدَخَّلَ ، يَتَدَخَّلُ )<br>تُهْمٌ : تهمت‌ها « مفرد : تُهْمَةٌ »<br>زَلَّ : جای لغزنده<br>سَدِيدٌ : درست و استوار<br>طَوْبَى لـ : خوشا به حال<br>عَوَّدَ : عادت داد ( مضارع : يُعَوِّدُ )<br>قِلَّةٌ : کمی ≠ كَثْرَةٌ |
|---|---|

### آدابُ الْكَلَامِ

#### آداب سخن گفتن

لِلْكَلامِ آدابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَيَدْعُوَ الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ ،

سخن گفتن آدابی دارد که گوینده باید به آن عمل کند و مخاطبان را با سخنی زیبا به کار نیک فرا بخواند .

وَأَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بَتَعَنَّتِ و برای مچ‌گیری با آنان مجادله نکند.

\* أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ \* (النحل: ۱۲۵)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای.

وَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ ، حَتَّى يُغَيِّرَ سُلُوكَهُمْ ، \* لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ \* (الصف: ۲)

و باید عمل کننده به آنچه می‌گوید باشد ، تا رفتارشان را تغییر دهد ، چرا چیزی می‌گویید که |خودتان آن را |انجام نمی‌دهید ؟

وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلَّمَ قَبْلَ الْكَلَامِ « السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ. » الإمام الصادق عليه السلام ،

و باید پیش از سخن گفتن سلام کند. « سلام کردن پیش از سخن گفتن است ( اول سلام بعداً کلام ). » امام صادق(ع)

كَمَا يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيْنًا عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمْعِينَ ، لِكَيْ يُفْنِعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّتَهُمْ ،

همانطور که باید سخنش نرم و به اندازه‌ی عقل‌های شنوندگان باشد، تا آن‌ها را کند و دوستی آنان را به دست آورد،

« كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. » رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ،

« با مردم به اندازه‌ی عقل‌هایشان سخن بگو. » رسول الله(ص)،

« وَ عَوَّذَ لِسَانَكَ لِنِ الْكَلَامِ. » الإمام علي عليه السلام « و زبانت را به سخن نرم عادت بده. » امام علی(ع)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ ، \* وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ \* ( الأبراء : ۳۶ )

و در مورد آنچه که به آن علمی ندارد نباید سخن بگوید ، \* و از چیزی که به آن علم نداری ، پیروی مکن \*

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعْرِضُ نَفْسَهُ لِلتُّهْمِ ؛ « اتَّقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ. » رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

و او نباید دخالت کند در موضوعی که خودش را در معرض تهمت قرار می‌دهد؛ « از جایگاه‌های تهمت بترسید. » رسول الله(ص)

الْمُنْتَكَلِمُ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. « تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا ، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ. » الإمام علي عليه السلام

گوینده با سخنش شناخته می‌شود. « سخن بگویند تا شناخته شوید، زیرا [ شخصیت ] انسان زیر زبانش پنهان است. » امام علی(ع)

فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ. « رَبُّ كَلَامٍ كَأَلْحُسَامِ. » الإمام علي عليه السلام

گاهی وقت‌ها قدرت سخن از اسلحه، قوی‌تر است. « چه بسا سخنی که مانند شمشیر است. » امام علی(ع)

وَ رَبُّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. « فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسَلَّمْتُ مِنَ الزَّلَلِ. » الإمام علي عليه السلام

و چه بسا سخنی که برای تو مشکلات به بار می‌آورد. « بیندیش سپس سخن بگو تا از لغزش در امان بمانی. » امام علی(ع)

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْإِجْتِنَابُ عَنْ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا احْتِمَالُ الْكِذْبِ. « لَا تُحَدِّثْ بِمَا تَخَافُ تَكْذِيبَهُ. » الإمام علي عليه السلام

انسان باید از بیان گفته‌هایی که در آن احتمال دروغ است بپرهیزد. « سخن نگو درباره چیزی که از تکذیب کردنش می‌ترسی. »

طوبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.» رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

خوشا به حال کسی که ، مردم از زبانش نمی ترسند. « هر کس مردم از زبانش بترسند، از جهنمیان است.» رسول الله(ص)

وَ مِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْتُهُ، « خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ . « الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و از آداب سخن گفتن ، کم بودن آن است، بهترین سخن آنست که کم و راهنما باشد.» امام علی(ع)

وَقَفَّ رَجُلٌ جَمِيلَ الْمَظْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطٍ مَرْدِي خَوْشِ مَنْظَرٍ (خوبرو) در برابر سقراط ایستاد

يَفْتَخِرُ بِمَلَابِسِهِ وَ بِمَظْهَرِهِ، که به لباس ها و قیافه اش می بالید،

فَقَالَ لَهُ سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ حَتَّى أَرَاكَ. سقراط به او گفت: سخن بگو تا تو را ببینم.

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. x ✓

✓ ۱ - أَلَّذِي يَتَكَلَّمُ فِي مَا لَا يَعْلَمُ، يَقَعُ فِي خَطَا. کسی که درباره آنچه نمی داند سخن میگوید، به خطا می افتد.

x ۲ - مَنْ خَافَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ قَوِيٌّ. هر کس که مردم از زبانش بترسند پس او نیرومند است.

✓ ۳ - عَلَيْنَا أَنْ لَا نَجْرَحَ الْأَخْرِينَ بِلِسَانِنَا. ما نباید دیگران را با زبانتان زخمی کنیم (برنجانییم).

✓ ۴ - أَلَّذِي لَا يَتَكَلَّمُ لَا يُعْرِفُ شَأْنَهُ. کسی که سخن نمی گوید، ارزشش شناخته نمی شود.

✓ ۵ - لَا نُحَدِّثُ بِمَا نَخَافُ تَكْذِيبَهُ. در مورد چیزی که از تکذیبش می ترسیم، سخن نمی گوئیم.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-darsi

## اعلموا الجملة بعد النكرة

معمولاً هنگامی که بعد از اسمی نکره، فعلی بیاید که آن اسم نکره را توصیف کند، در ترجمه به فارسی بعد از آن اسم؛ حرف ربط «که» می آید و فعل مطابق شرایط جمله ترجمه می شود. مثال:

شاهدنا سنجاباً يقف من شجرة إلى شجرة. سنجابی را دیدیم که از درختی به درختی می پرد.

إرضاء الناس غاية لا تدرك. راضی ساختن مردم، هدفی است که به دست آورده نمی شود.

رأيت ولداً يمشى بسرعة. پسری را دیدم که به سرعت راه می رفت.

عبارت (رأيت ولداً يمشى بسرعة) از دو جمله تشکیل شده، و بعد از اسم نکره‌ی «ولداً» فعل مضارع آمده است که «ولداً» را توصیف می کند؛ در ترجمه‌ی فارسی بین دو جمله، حرف ربط «که» می آید و فعل مضارع نیز معمولاً ماضی استمراری ترجمه می شود.

ماضی + مضارع = ماضی استمراری

أما اگر فعل اول مضارع باشد، ترجمه فعل دوم چگونه خواهد بود؟ به مثال دقت کنید.  
أفتش عن معجم يساعدي في فهم النصوص. دنبال فرهنگ لغتی می گردم که مرا در فهم متون کمک کند.

مضارع + مضارع = مضارع التزامی

www.my-dars.ir

اکنون به ترجمه‌ی جمله‌ی زیر دقت کنید.

اشتريت اليوم كتاباً قد رأيتهُ من قبل. امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم. (دیدم)

ماضی + ماضی = ماضی بعید یا ماضی ساده

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ : تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ  
فعل مضارع فعل مضارع منفى فعل مضارع منفى

خداوندا! همانا من به تو پناه می‌برم از نفسی که سیر نشود و از قلبی که فروتنی نکند

وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ وَمِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. ( مِنْ تَعْقِيَاتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ )  
فعل مضارع منفى فعل مضارع منفى، مجهول فعل مضارع منفى، مجهول

و علمی که سود نرساند و نمازی که بالا برده نشود و دعایی که شنیده نشود.

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: اِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي آيَاتِ نَصِّ الدَّرْسِ وَ أَحَادِيثِهِ بِكَلِمَاتٍ صَحِيحَةٍ.

۱ - \* أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ \* النحل: ۱۲۵

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا بخوان و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای.

۲ - \* وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ \* الإسراء: ۳۶ و از چیزی که بدان علمی نداری پیروی مکن.

۳ - \* لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ \* الصَّف: ۲ چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟!

۴ - « كَلِمِ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ . » رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ « با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن بگو. »

۵ - « تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ . » الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

« سخن بگویند تا شناخته شوید زیرا [ شخصیت ] انسان زیر زبانش پنهان است. »

۶ - « مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ . » رسولُ الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ

« هر کس مردم از زبانش بهراسند، از جهنمیان است. »



### التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱- إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تُكْرَهُ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِيهِ ۱. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

جار و مجرور فعل مجهول جار و مجرور ( الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ وَ الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ )

قطعا از بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر گفتار و کردار زشتش همنشینی با او ناپسند شمرده می شود.

۲- أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَئَهُ وَ عَلَيْهِ . رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

اسم تفضیل مضاف إليه ( اِسْمُ التَّفْضِيلِ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ )

پرهیزکارترین مردم کسی است که حق را بگوید در آنچه که به سود او یا به زیان اوست.

۳- قِيلَ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ مُرًّا . رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ( فِعْلُ الْأَمْرِ وَ الْمَفْعُولُ )

فعل أمر مفعول حق را بگو اگرچه تلخ باشد.

۴- لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ. أمير المؤمنين علي عليه السلام ( الْمُضَارِعُ الْمَنْفِيُّ وَ فِعْلُ النَّهْيِ )

فعل نهی مضارع منفی فعل نهی

هر آنچه نمی دانی نگو، البته هر آنچه | هم | می دانی نگو.

برای صرفه جویی برگه های ترم سوم و چهارم را عوض کردم.

### التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ فِي كُلِّ مَجْمُوعَةٍ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ.

|                    |                           |                          |                       |
|--------------------|---------------------------|--------------------------|-----------------------|
| غاز ( گاز )        | نَوَى ( هسته )            | لُبِّ ( مغز )            | ۱- قِشْر ( پوست )     |
| سیاج ( پرچین )     | قَدَم ( پا )              | رَأْس ( سر )             | ۲- يَد ( دست )        |
| خَطِيئَة ( گناه )  | حِصَّة ( زنگ )            | ذَنْب ( گناه )           | ۳- إِثْم ( گناه )     |
| ذُبُّ ( گرگ )      | لَيْن ( نرم )             | كَلْب ( سگ )             | ۴- تَعَلَّب ( روباه ) |
| مَوْطَف ( کارمند ) | عَامِل ( کارگر )          | مُزَارِع ( کشاورز )      | ۵- زُبُوت ( روغن ها ) |
| سَمَك ( ماهی )     | فُسْتَان ( پیراهن زنانه ) | قَمِيص ( پیراهن مردانه ) | ۶- سِرْوَال ( شلوار ) |

التَّمرينُ الثَّالثُ: تَرَجِّمُ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاتِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ.

يُجَادِلُ / مِثْنَانِ / تَعْلِيمِ / حَفَلَاتِ / أَفْلَامِ / امْرَأَةٍ / مَعْمَرَةٍ / مُزَارِعِ / تَلْمِيذِ / رَائِحَةٍ  
حَاسِبِ / أَبْنَاءِ / أَلْفَانِ / أَزْهَارِ / أَسَاوِرِ / إِعْصَارِ / تَبْجِيلِ / سَاحَاتِ / كِبَائِرِ

رمز ↓

|   |   |   |   |   |                         |    |
|---|---|---|---|---|-------------------------|----|
| ل | ى | ج | ب | ت | گرامی داشتن : تبجیل     | ۱  |
| ة | ر | م | ع | م | كهنسال : مَعْمَرَة      | ۲  |
| ل | د | ا | ج | ى | ستيز مى كند : يُجَادِلُ | ۳  |
| م | ى | ل | ع | ت | ياد دادن : تَعْلِيمِ    | ۴  |
| ع | ر | ا | ز | م | كشاورز : مُزَارِعِ      | ۵  |
| ت | ا | ل | ف | ح | جشن ها : حَفَلَاتِ      | ۶  |
| ذ | ى | م | ل | ت | دانش آموز : تَلْمِيذِ   | ۷  |
| ة | أ | ر | م | إ | زن : امْرَأَة           | ۸  |
| ة | ح | ئ | ا | ر | بو : رَائِحَة           | ۹  |
| ن | ا | ف | ل | أ | دو هزار : أَلْفَانِ     | ۱۰ |
| ر | ا | ص | ع | إ | گردباد : إِعْصَارِ      | ۱۱ |
| ر | ئ | ا | ب | ك | گناهان بزرگ : كِبَائِرِ | ۱۲ |
| ت | ا | ح | ا | س | میدان ها : سَاحَاتِ     | ۱۳ |
| ن | ا | ت | ئ | م | دويست : مِثْنَانِ       | ۱۴ |
| م | ا | ل | ف | أ | فيلم ها : أَفْلَامِ     | ۱۵ |
| ب | و | س | ا | ح | رایانه : حَاسِبِ        | ۱۶ |
| ر | و | ا | س | ر | دستبندها : أَسَاوِرِ    | ۱۷ |
| ء | ا | ن | ب | أ | فرزندان : أَبْنَاءِ     | ۱۸ |
| ر | ا | ه | ز | أ | شكوفه : أَزْهَارِ       | ۱۹ |

رمز جدول : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «جَمَالُ الْمَرْءِ فِصَاحَةُ لِسَانِهِ.» زیبایی انسان، شیوایی زبانش است.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

۱ - سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صَوْرَتَهَا أَيَّامَ صَغْرِي. ( الْمَجْرُورُ بِحَرْفِ جَرٍّ وَ الْمَفْعُولُ )

مجرور به حرف جر مفعول

به روستایی مسافرت کردم که عکسش را در ایام کودکی ام دیده بودم.

۲ - عَصَفَتْ رِيَا حُ شَدِيدَةً خَرَبَتْ بَيْتًا جَنْبَ شَاطِئِ الْبَحْرِ. ( الْأَصْفَةُ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ )

صفت صفت مضاف‌إليه

باد شدیدی وزید که یک خانه را در کنار ساحل دریا ویران کرد.

۳ - وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ. ( الْمَفْعُولُ وَ الْمُضَافُ إِلَيْهِ )

مفعول مضاف‌إليه

برنامه‌ای پیدا کردم که مرا در یادگیری عربی کمک می‌کرد.

۴ - الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ. ( الْمُبْتَدَأُ وَ الْخَبَرُ )

مبتدا خبر

کتاب دوستی است که تو را از گرفتاری جهل و نادانی نجات می‌دهد.

۵ - يُعْجِبُنِي عِيدٌ يُفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ. ( الْجَمْعُ الْمَكْسَرُ، وَ نُونُ الْوَقَايَةِ )

نون وقایه جمع مکسر

از عیدی خوشم می‌آید که در آن بینوایان خوشحال شوند.

[ يُعْجِبُ (فعل) + ن (نون وقایه) + ی (ضمیر در نقش مفعول) ]

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ: اَكْتُبْ خَمْسَ عِبَارَاتٍ بِالْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ آدَابِ الْكَلَامِ.

www.my-dars.ir

..... ۲ - ۱- الْكَلَامُ يُجْرُ الْكَلَامُ.

..... ۳ - ۴

..... ۵